



Journal Researches of Quran and Hadith Sciences, Vol.19, No.4, Serial. 56, Winter 2023  
<http://tqh.alzahra.ac.ir/> Alzahra University

## Representation of Natural World in the Qur'an; an Ecolinguistic Approach

Masoumeh Mehrabi<sup>1</sup>

Maryam Nazarbeigy<sup>2</sup>

Ayoob Amraee<sup>3</sup>

Received: 24/07/2021

Accepted: 30/10/2021

DOI: 10.22051/TQH.2021.37036.3296  
DOR: 20.1001.1.20082681.1401.19.4.8.5

### Abstract

*The current trend of increasing environmental inequality, the process of its degradation, and the culture of encouraging more consumption suggest the need for a change in the human attitude towards nature and his relation to the environment. Such a change needs the emergence of a society that has analyzed, recognized and sought to change its discourse stories. Taking refuge in the discourse stories of the holy books, including the Holy Qur'an, provides the ground for a change of attitude. The main question of this research is "what is man's relation with nature and both of them with God in the Holy Qur'an and how are these relations manifested in the language of the Qur'an?" The basic presumption is that the lack of attention to spirituality in the relationship between humans and the environment is the root of many destructions and destructions. The research method is discourse analysis in the framework of ecological linguistics based on the analysis of linguistic "stories". The term "story" here is not of the usual type of novels and anecdotes but is the cognitive structure behind the discourses. The linguistic analysis method is also the desired mechanism of environmental linguistics based on the eight components proposed by Stibi (2015). The research aims to show how the Holy Qur'an condemns the consumeristic human identity by using language and presenting linguistic/discourse stories and promotes a monotheistic worldview. The results of the analysis show that in the text of the Holy Qur'an, a monotheistic worldview prevails, according to which man is recognized as a trustee in nature and does not have the right to enter and occupy its parts without condition. It is also proved that all elements of nature have intrinsic and moral value. The innovation of the research is that it uses a specific linguistic approach and analyzes the discourse.*

**Keywords:** *The Holy Qur'an, Nature, Language, Environment, Story, Ecolinguistics*

---

<sup>1</sup>. Assistant Professor, Department of linguistics, Ayatollah Boroujerdy University, Boroujerd, Iran. Email: [m.mehrabi@abru.ac.ir](mailto:m.mehrabi@abru.ac.ir)

<sup>2</sup>. Assistant Professor, Department of Qur'an and Hadith Sciences, Ayatollah Boroujerdy University, Boroujerd, Iran. (The Corresponding Author); Email: [m.nazarbeygi@abru.ac.ir](mailto:m.nazarbeygi@abru.ac.ir)

<sup>3</sup>. Assistant Professor, Department of Qur'an and Hadith Sciences, Ayatollah Boroujerdy University, Boroujerd, Iran. Email: [a.amraei@abru.ac.ir](mailto:a.amraei@abru.ac.ir)



فصلنامه علمی «تحقیقات علوم قرآن و حدیث» دانشگاه الزهراء (ع.ا.و.ع.)

سال نوزدهم، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۱، پیاپی ۵۶

مقاله علمی-پژوهشی، صص ۱۹۷-۱۷۳

## بازنمایی عناصر طبیعت در قرآن کریم از دیدگاه زبان‌شناسی زیست‌محیطی

معصومه مهرابی<sup>۱</sup>

مریم نظریگی<sup>۲</sup>

ایوب امرائی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۰۸

DOI: 10.22051/TQH.2021.37036.3296

DOR: 20.1001.1.20082681.1401.19.4.8.5

### چکیده

سیر کنونی افزایش نابرابری محیط‌زیستی، روند تخریب آن و فرهنگ مشوق مصرف بیشتر، لزوم تغییر در نگرش انسان به طبیعت و رابطه انسان و محیط‌زیست را مطرح می‌کند. لازمه این تغییر ظهور جامعه‌ای است که داستان‌های گفتمانی خود را تحلیل کرده است، می‌شناسد و در پی تغییر آنهاست. پناه بردن به داستان‌های گفتمانی موردنظر کتاب‌های مقدس از جمله قرآن کریم زمینه تغییر نگرش را فراهم می‌کند. پرسش اساسی این تحقیق این است که روابط انسان با طبیعت و هر دو آنها با خداوند چگونه در زبان قرآن نمود یافته‌اند؟ روش تحقیق، روش تحلیل گفتمان در چارچوب زبان‌شناسی زیست‌محیطی و بر مبنای تحلیل "داستان‌های" زبانی است. عنوان "داستان" در اینجا از نوع داستان‌های معمول رمان‌ها و حکایات نیست، بلکه ساختارهای شناختی در پس گفتمان‌هاست. روش تحلیل زبانی نیز سازوکار موردنظر زبان‌شناسی زیست‌محیطی و بر مبنای هشت مؤلفه موردنظر استیپی (۱۳۹۵) است. هدف پژوهش این است که نشان دهد قرآن کریم چگونه با استفاده از زبان و ارائه داستان‌های زبانی/گفتمانی هویت انسان مصرف‌گرا را مذموم و نکوهیده می‌شمارد و جهان‌بینی توحیدی را ترویج می‌دهد. نتایج تحلیل نشان می‌دهد که در متن قرآن کریم جهان‌بینی توحیدی حاکم است که بر اساس آن انسان به عنوان امانت‌دار در طبیعت شناخته شده و حق دخل و تصرف بی‌قید و شرط در اجزای آن را ندارد. بر اساس سازوکارهای زبان‌شناختی، روشن شد که همه عناصر طبیعت واجد ارزش ذاتی و اخلاقی هستند. این رویکرد در کنار عدالت زیست‌محیطی در متن قرآن کریم به وضوح بیان شده است.

**واژگان کلیدی:** قرآن کریم، طبیعت، زبان، محیط‌زیست، داستان، زبان‌شناسی زیست‌محیطی.

<sup>۱</sup>. استادیار زبان‌شناسی. دانشگاه آیت ا... بروجردی. بروجرد. ایران. m.mehrabi@abru.ac.ir

<sup>۲</sup>. استادیار علوم قرآنی و حدیث. دانشگاه آیت ا... بروجردی. بروجرد. (نویسنده مسئول) m.nazarbeygi@abru.ac.ir

<sup>۳</sup>. استادیار علوم قرآنی و حدیث. دانشگاه آیت ا... بروجردی. بروجرد. A.amraei@abru.ac.ir

## مقدمه و بیان مسأله

زبان‌شناسی زیست‌محیطی<sup>۱</sup> زبان و محیط‌زیست را منظور نظر دارد. این حوزه از مطالعات ابزارهای تحلیلی به‌دست می‌دهد که به وسیله آنها نشان داده می‌شود چگونه زبان نحوه تفکر درباره جهان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. مثلاً نوشتارهایی در ستایش طبیعت الهام‌بخش احترام به جهان طبیعت می‌شوند. با تغییر طرز تفکر چگونگی عملکرد ما متأثر می‌شود، بنابراین زبان می‌تواند ما را به از بین بردن یا حفاظت محیط‌زیست ترغیب کند. با بررسی زیست‌محیطی متن قرآن کریم رابطه انسان و طبیعت را بهتر درمی‌یابیم. پرسش اصلی این است آیا طبیعت و عناصر وابسته آن در این نوشتار مقدس، همچون شی‌ای مورد استفاده و تصرف است و یا بخشی از وجود قابل احترام و دارای ارزش ذاتی است. در اینجا به این پرسش از دیدگاه زبانی و با تحلیل‌های زبان‌شناختی پاسخ داده‌شده است، زیرا از طریق زبان است که به لحاظ ذهنی جهان طبیعت به اشیاء یا منابعی صرفاً مصرفی تقلیل می‌یابند و از راه زبان است که افراد ترغیب می‌شوند به زندگی و مظاهر حیات احترام بگذارند و از آنها مراقبت کنند. زبان‌شناسی محیط‌زیستی دارای ابزارهای تحلیلی است که گفتمان‌های احاطه‌کننده ما را تحلیل می‌کند و به فاش‌شدن و نمایان‌سازی داستان‌های پنهانی که به شیوه غیرمستقیم در پس گفتمان‌ها هستند کمک می‌کند.

مقاله حاضر به این پرسش می‌پردازد که چه داستان‌هایی<sup>۲</sup> (در معنی مورد نظر چارچوب پژوهش) در قرآن کریم وجود دارد که به طبیعت اختصاص دارند؟ برای پاسخ به این پرسش از تحلیل‌های زبان‌شناختی مورد قبول چارچوب "زبان‌شناسی زیست‌محیطی" (استیبی، ۱۳۹۵) استفاده می‌شود که عبارتند از مؤلفه‌های هشت‌گانه‌ی: ایدئولوژی، قالب<sup>۳</sup>، استعاره<sup>۴</sup>، ارزیابی<sup>۵</sup>، هویت<sup>۶</sup>، باور<sup>۷</sup>، محوسازی<sup>۸</sup> و برجسته‌سازی<sup>۹</sup>. از طریق تحلیل زبان‌شناختی نشان داده شده است که عدالت زیست‌محیطی و اتخاذ رویکرد انتساب ارزش ذاتی و اخلاقی به عناصر طبیعت و محیط‌زیست در متن قرآن کریم به وضوح بیان شده است.

مفروض کلی تحقیق حاضر این است که عدم‌توجه به معنویت توحیدی در ارتباط میان انسان و محیط‌زیست ریشه بسیاری از تباهی‌ها و ویرانی‌هاست. به بیان دیگر، راه برون‌رفت از تنگناهای زیست‌محیطی بازگشت به

1. Eco-linguistics/ ecolinguistics

2. myths

3. frame

4. metaphor

5. evaluation

6. identity

7. conviction

8. erasure

9. foregrounding/ script

جهان‌بینی وحدت است. در این تحقیق سعی شده است تا با بهره‌گیری از تحلیل‌های گفتمانی زبان‌شناختی (همان)، جهان‌بینی در پس این ارتباط درک شود تا تلاشی برای به چالش کشیدن جهان‌بینی‌های ماتریالیستی و نئوکلاسیکی دربارهٔ انسان و طبیعت باشد. نتیجهٔ کلی این تحلیل‌های گفتمانی زبان‌شناختی نشان می‌دهد که عدالت محیط‌زیستی مبتنی بر ارزش ذاتی عناصر طبیعت در زبان قرآن موج می‌زند.

هدف مقاله حاضر این است که نشان داده شود قرآن کریم چگونه با استفاده از زبان و ارائهٔ داستان‌های زبانی/گفتمانی هویت انسان مصرف‌گرا را مذموم و نکوهیده می‌شمارد. ضرورت و اهمیت تحقیق حاضر این است که نشان داده شود چگونه جایگزینی داستان‌های رایج در گفتمان معاصر با داستان‌های قرآن کریم به نفی سلطهٔ بدون احساس مسئولیت بر طبیعت و هم‌زیستی صلح‌آمیز با محیط‌زیست می‌انجامد. تحقیق نشان می‌دهد که اشاعهٔ فرهنگ دینی اجرای تصمیم‌های محیط‌زیستی مؤثر را تسهیل می‌کند.

در زیر ابتدا پیشینهٔ پژوهش در این چارچوب زبان‌شناختی مورد بررسی قرار می‌گیرد، سپس به اختصار به پژوهش‌های به انجام رسیده دربارهٔ بازنمایی عناصری از طبیعت و محیط‌زیست در متن قرآن اشاره خواهد شد. در بخش چارچوب تحقیق به مبانی نظری شیوهٔ تجزیه و تحلیل متن در زبان‌شناسی زیست‌محیطی اشاره می‌شود تا کاربست مؤلفه‌های هشت‌گانهٔ مذکور که اساس تحلیل‌های زبان‌شناختی در این رویکرد است شناخته شود. در پیکرهٔ اصلی تحقیق به تحلیل داده‌های مورد نظر از متن این کتاب آسمانی می‌پردازیم و در نهایت بحث و نتیجه‌گیری ارائه خواهد شد.

### پیشینهٔ پژوهش

پیشینهٔ پژوهش حاضر دارای دو بخش است: پیشینهٔ پژوهش در زبان‌شناسی زیستی و پیشینهٔ پژوهش در متون مقدس و آسمانی که در زیر به اختصار به آنها اشاره می‌شود:

اصطلاح "زبان‌شناسی زیست‌محیطی" حداقل از دههٔ ۱۹۹۰ و در آثار فیل<sup>۱</sup> و میول هویسلر<sup>۲</sup> (۲۰۰۱) مورد استفاده بوده است و واژهٔ "محیط‌زیست" را آینار هوگن<sup>۳</sup> در دههٔ ۱۹۷۰ در مطالعات و پژوهش‌های زبان‌شناختی خود به کار برد. اصطلاح "زبان‌شناسی زیست‌محیطی" حوزه‌های مختلفی را شامل می‌شود؛ تنوعات و گوناگونی زبان‌ها، تجزیه و تحلیل متون دربارهٔ محیط‌زیست، مطالعهٔ گویش‌ها و حوزه‌های دیگر (استیبی، ۱۳۹۵، ص ۲۰). واژهٔ زبان‌شناسی در همهٔ این آثار و در عبارت زبان‌شناسی زیست‌محیطی به استفاده از روش‌های تجزیه و تحلیل زبان‌شناختی به منظور آشکارسازی داستان‌های موجود در پس متون اشاره دارد که گاه آن داستان‌ها را

1. Fill

2. Muhlhausler

3. Einar Haugen

مورد تحسین، تقبیح، یا مورد انتقاد و پرسش قرار می‌دهد. از این رو، بخشی از تحلیل گفتمان انتقادی<sup>۱</sup> محسوب می‌شود؛ نظریه‌هایی که بیشتر متمرکز بر روابط انسانی بودند (فرکلاف ۲۰۰۳، ۲۰۱۴ و ون دایک ۲۰۰۸) اکنون به مسائل محیط‌زیستی اعمال می‌شوند که مسائلی گسترده‌ترند. همه این آثار مبتنی بر فلسفه‌ای زیست‌محیطی هستند که در آنها ارزش‌نهادن به زندگی و حیات، رفاه و تندرستی، عدالت زیستی و اهمیت داشتن حیات در همه موجودات ارزشمند است.

پیشینه پژوهش در خصوص بازنمایی عناصر طبیعت و محیط‌زیست در متون مقدس و آسمانی پر بار است. در این بین می‌توان به پژوهش‌هایی مانند «اسلام و محیط زیست» (جوادی آملی، ۱۳۸۶) اشاره نمود که به طرح خطوط کلی دیدگاه اسلام نسبت به محیط زیست می‌پردازد. ایشان رابطه انسان و طبیعت را تسخیری می‌داند و نه قهری و قسری. بدین معنی که "قسر و قهر فشار و شتاب تحمیلی از بیرون است و فاعل بالقسر فعلش بدون عمل و اختیار و برخلاف مقتضای طبیعتش صادر می‌شود. اما فاعل بالتسخیر خردمندانه عمل می‌کند تا بهره احسن ببرد". او معتقد است که وجود همه موجودات وابسته به ذات پروردگار است. هیچ موجودی مستقل نیست. انسان امانت‌دار خداوند است و لذا تصرف ناروا در طبیعت ظلم است. در کتاب «دین و نظم طبیعت» (نصر، ۱۳۹۳) مباحثی مانند فلسفه طبیعت، اخلاق زیست‌محیطی، واکنش ادیان مختلف مانند یهودی و مسیحی به بحران‌های زیست‌محیطی و نقش دین در قداست بخشی به طبیعت بررسی شده است. کریمی (۱۳۹۶) انگیزه‌های طرح عناصر طبیعت در قرآن رادعوت به تفکر، بیان قدرت تسبیح‌گویی عناصر ذی‌شعور و نیز تذکار نشانه‌های وجودی پروردگار می‌داند. کریمیان صیقلانی (۱۳۹۳) معتقد است که بر اساس اندیشه اسلامی تبلور یافته در قرآن کریم، هریک از موجودات در طبیعت نه یک "شیء" یا "شخص" بلکه یک "شخصیت" منحصر به فرد<sup>۲</sup> است که همیشه در حال وصول به درجات عالی از کمال متافیزیکی است. او اشاره دارد که قرآن برای طبیعت ارزش اخلاقی قائل است و علم به این موضوع منجر به بهسازی رفتار انسان نسبت به عناصر محیط‌زیست می‌شود. شایسته‌نژاد (۱۳۹۲) نیز مسأله شعور باطنی را در موجودات بررسی کرده است.

علاوه بر کتب مذکور مقالاتی مانند «جهان‌بینی قرآنی و محیط‌زیست» (نورائی، ۱۳۹۱)، «تحلیل جایگاه محیط زیست از دیدگاه قرآن» (صادقی روشن، ۱۳۹۴) و «حفظ محیط‌زیست از دیدگاه قرآن و روایات» (اکبری راد، ۱۳۸۷) قابل ارجاعند. نورائی (۱۳۹۱) درباره جهان‌بینی قرآنی در باب محیط‌زیست معتقد است که در متن قرآن کریم به هدفمندی محیط‌زیست (الاحقاف/۳، الروم/۸، التغابن/۳، انعام/۷۳، الدخان/۳۹ و ۳۸، یونس/۷، الانبیاء/

1. critical discourse analysis (CDA)

۱. مفهوم "شیء" در این کتاب به معنی فقدان عکس‌العمل و ادراک در موجودات است. مفهوم "شخص" به موجودیت‌هایی اشاره دارد که دارای ادراک و عکس‌العمل اختیاری در برابر افعال ماست و "شخصیت" به موجودیت‌هایی اشاره دارد که دارای اعمال اختیاری استکمالی هستند. صعود شأن اخلاقی موجودات، از شیء به شخص و سپس به شخصیت است.

۱۶)، بهره‌رسانی به انسان و خدمت به او، تحقق توحید، توازن محیط‌زیست به منظور تضمین حیات و امکان بهره‌برداری حداکثری از آن، زیبایی‌شناسی محیط‌زیست اشاره شده است. صادقی روشن (۱۳۹۴) در تحلیل جایگاه محیط‌زیست از دیدگاه قرآن به تبیین نگرش اسلامی که در آن انسان همراه طبیعت محسوب می‌شود و نه در تقابل با آن، می‌پردازد. او اندیشه غیردینی را عامل اصلی و ریشه تخریب محیط‌زیست می‌داند. او همانند توین بی<sup>۱</sup> معتقد است که راه برون‌رفت از تنگنای زیست‌محیطی بازگشت به جهان‌بینی وحدت است که در کتاب‌های آسمانی مطرح می‌شود. البته او از مخالفان این رویکرد هم نام می‌برد؛ افرادی همچون لین وایت<sup>۲</sup> بر این باورند ریشه تاریخی بحران‌های اکولوژیکی، متن کتاب مقدس انجیل است، زیرا به زعم او این کتاب توانایی و اجازه سلطه را به انسان داده است. اکبری راد (۱۳۸۷) به تفصیل به آیاتی در متن قرآن کریم می‌پردازد که در آنها جهان‌بینی قرآنی درباره حیوانات و نیز محیط‌زیست (نظیر: الملک / ۱۹، الاسراء / ۴۴، النمل / ۱۹) مطرح‌اند. اسلامی (۱۳۹۱) خطوط کلی منظر اسلام را با توجه به نظریات آیت ا... جوادی آملی مطرح می‌کند و معتقد است که در اسلام و به ویژه قرآن کریم موجودات زنده و نظام‌های طبیعی به خودی خود اهمیت دارند و واجد جایگاه اخلاقی مستقل هستند. او در این نوشته به تفصیل درباره رویکردهای اخلاقی محیط‌زیستی (سبز روشن و سبز تیره) سخن می‌گوید و دیدگاه اسلام را به دومی نزدیک می‌داند.

پژوهش‌های نامبرده به بررسی موضوع محیط‌زیست در قرآن و یا روایات به شیوه‌ای درون‌متنی پرداخته‌اند. وجه تمایز پژوهش حاضر آن است که با روشی میان‌رشته‌ای و با بهره‌گیری از تحلیل‌های زبان‌شناختی در صدد استخراج جهان‌بینی قرآن درباره محیط‌زیست است.

## ۱. مبنای نظری: زبان‌شناسی زیست‌محیطی

وجود بی‌عدالتی‌ها و نابرابری‌های روبه‌رشد، تغییرات اقلیمی، از بین رفتن تنوعات زیستی، بیگانگی انسان نسبت به طبیعت و محیط، از بین رفتن اجتماعات متکثر و مصرف بیش از حد، داستان‌هایی هستند که جوامع صنعتی بر پایه آنها استوارند. تحلیل این داستان‌ها حقیقت را عریان می‌سازد و گامی در جهت اصلاح شیوه تفکر است. شیوه تفکر ما بر اساس داستان‌هایی است که از قبل به ما القاء شده است و در ذهن ما تثبیت شده‌اند. منظور از داستان‌ها الگوهای تخیلی یا شبکه‌ای از نمادهای پر قدرت است که گونه‌های خاصی از تفسیر جهان را القاء می‌کنند. به بیان دیگر، داستان‌ها مجموعه منسجمی از مفروضات و مفاهیمی است که طرز دیدن واقعیت را تعیین می‌کند. نمونه‌هایی از این داستان‌ها عبارتند از داستان پیشرفت، محوریت انسان، جدایی از طبیعت.

1. Toyn bee

2. Lynn White

بنابراین، داستان‌ها ساختارهای شناختی در ذهن افراد هستند که نحوه درک انسان‌ها از جهان را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

### ۱-۱. سازوکار تحلیل در زبان‌شناسی زیست‌محیطی بر مبنای نظر استیبی (۱۳۹۵)

**ایدئولوژی و گفتمان:** نظامی از باورهاست در مورد این که جهان چگونه هست، بوده و خواهد بود؟ یا چگونه باید باشد؟ به عنوان مثال این که در اقتصاد جدید کشورها باید رقابتی عمل کنند یک ایدئولوژی و جهان‌بینی است. در این بخش از تحلیل متن این سؤال پرسیده می‌شود که آیا ایدئولوژی خاصی مخاطبان را به سمت و سوی خاصی سوق می‌دهد؟ مثلاً در تحلیل متن قرآن می‌پرسیم آیا جهان‌بینی خاصی در قرآن هست که مردم را به حفاظت از محیط زیست، اکوسیستم‌ها و نظام‌های حافظ زندگی سوق دهد یا به تخریب و ویرانی ترغیب می‌کند؟ در این بخش دو نوع گفتمان شکل می‌گیرد: مخرب و مفید؛ گفتمان مخرب نظیر گفتمان مصرف‌گرایی که در اقتصاد جدید پیوسته از طریق تبلیغات و سبک زندگی نمایشی به ظهور می‌رسد. گفتمان مفید نظیر گفتمان بومیان آمریکا یا استرالیا که در آنها زمین بخشی از وجود انسان و انسان بخش جدایی‌ناپذیر طبیعت است. گفتمان‌های مفید را می‌توان جایگزین گفتمان‌های مخرب کرد تا تحولاتی عظیم شکل گیرند. در زمانه ما گفتمان نئوکلاسیک یکی از غالب‌ترین گفتمان‌هاست. در این گفتمان از زبان به نحوی استفاده می‌شود که هویت و شخصیت "مصرف‌کننده" شکل بگیرد. در این ایدئولوژی، افراد موجودات "خودپرستی" هستند که بی‌توجه به محیط پیرامون و ارزش اخلاقی و ذاتی آنها تنها در فکر رفاه و آسایش خود هستند. آنها رضایت را تنها در مصرف و خرید می‌بینند. همیشه می‌خواهند تمام منابع را مصرف کنند و هیچ‌گاه راضی نمی‌شوند.

**هویت:** داستان‌های موجود در ذهن افرادند؛ در این باره که ما به عنوان افراد انسانی چه کسانی هستیم؟ به چه گروه‌هایی تعلق داریم و جایگاه آن گروه‌ها در جامعه چگونه است؟ مثلاً مصرف‌گرایی هویت مصرف‌گرا می‌سازد و تبدیل به ابزار هویت‌سازی می‌شود که در آن پوشیدن لباس‌هایی با برند خاص نماد جوانی یا ثروت است. هویت یک فرد نه در رفتار او بلکه در توانایی او برای ادامه‌دادن یک روایت / جهان‌بینی خاص نهفته است. هویت مخرب مصرف‌گرا را ساختارهای قدرت ایجاد می‌کنند. در این هویت فرد کالا را برای به حداکثر رساندن رضایتی که می‌تواند از آن به دست بیاورد انتخاب می‌کند. هویت (مصرف‌گرایی) اخلاقی در تقابل با هویت صرفاً مصرف‌گراست که در او حس مسئولیت‌پذیری و تمایلات اخلاقی و ارزشی بیشتری وجود دارد.

**قالب و قالب‌سازی:** قالب‌ها، الگوهای ذهنی هستند که به ما انسان‌ها اجازه درک واقعیت و خلق واقعیت را می‌دهند. "طرح‌واره" و "الگوی شناختی آرمانی" نام‌های دیگر این عنوان هستند. برای مثال، شنیدن کلمه

"خرید" باعث پدید آمدن قالب "مبادله و معامله" می‌شود. در قالب "معامله" خریدار، فروشنده، محصول، قیمت و پول حضور دارند. مشارکان، توالی میان کنش‌های مشارکان و امور به واقع رسیده قالب را می‌سازند. لازمه تجزیه و تحلیل قالب از دیدگاه زبان‌شناسی زیست‌محیطی شناخت مبدأ و مقصد است؛ زیرا قالب‌سازی یعنی استفاده از یک حوزه برای ساختار بندی حوزه‌ای دیگر. مثلاً در قالب ذهنی "طبیعت یک منبع/ سرمایه/ دارایی است"، حوزه مبدأ سرمایه و دارایی است و حوزه مقصد طبیعت. بنابراین، حوزه مبدأ عام و حوزه مقصد خاص است.

**ارزیابی:** داستان‌های موجود در ذهن افراد هستند؛ در این باره که آیا یک حوزه از زندگی خوب است یا بد. مثلاً در ایده مصرف‌گرایی رشد اقتصادی/ افزایش سود خوب است و متضاد آن بد. در فرهنگ مصرف‌گرایی "راحتی/ رفاه/ موفقیت/ سرعت/ تعداد زیاد/ مصرف زیاد" به عنوان ارزش‌های خوب تلقی و ارزیابی می‌شوند.

**باور و الگوی واقع‌بودگی:** داستان‌های موجود در ذهن افراد هستند در این باره که آیا توصیف واقعیت درست و محتمل یا غیرمحتمل و نادرست است. باورها در این مورد نیستند که آیا چیزی به طور عینی صحیح است، بلکه در مورد اعتقاد ما بر صحت آنها و درجه اطمینان ما است. مثلاً این یک باور است که تغییرات اقلیمی منفی را انسان‌ها ایجاد می‌کنند و مخالفانی مصرف‌گرا دارد که بر ایده‌های مقابل این ایده پافشاری می‌کنند. دانشمندان اقلیم‌شناس و حامیان محیط‌زیست باوری متفاوت از اعضای ضدجنبش تغییرات اقلیمی دارند که معتقدند تغییرات اقلیمی در حال وقوع نیستند و انسانها در آن تغییرات نقشی ندارند.

**استعاره:** داستانی است که چیزی را به نحوی توصیف می‌کند که گویی چیزی دیگر بوده است. استعاره یکسانی میان چیزهایی است که از جهاتی متفاوتند. استعاره‌ها از قالبی عینی و قابل تصور استفاده می‌کنند تا حوزه‌ای متمایز از زندگی را ساختار بندی کنند. مثلاً عبارت "تغییرات اقلیمی یک بمب ساعتی/ رقابت/ نبرد/ کشمکش/ خشونت/ تنازع است" استعاره‌ای را نمایش می‌دهد که در آن از مفاهیم ملموس بمب ساعتی/ رقابت/ نبرد/ کشمکش/ خشونت/ تنازع برای توصیف مفهوم انتزاعی‌تر تغییرات اقلیمی استفاده شده است. در عبارت "سلامت اکوسیستم" استعاره مفهومی‌ای به طور تلویحی به کار گرفته شده است که عبارت است از: "طبیعت یک موجود زنده است".

**محوسازی:** اصرار بر این نکته است که اهمیت آنچه در متن حضور ندارد به اندازه آن چیزی است که در متن حضور دارد. محوسازی زمانی اتفاق می‌افتد که داستان‌هایی که در ذهن مردم هستند، چیزی را بی‌اهمیت، نامرتب، حاشیه‌ای یا فاقد انسجام معرفی می‌کند. مثلاً محوشدن جهان طبیعت از انواع متون و محوشدن انسان



و عدالت اجتماعی از دیگر متون. حذف نظام‌مند برخی مشارکان از یک متن و یا در سرتاسر گفتمان به خودی خود روایتگر یک داستان است؛ داستانی مبنی بر اینکه مشارکان بی‌اهمیت، حاشیه‌ای و یا بی‌ربط بوده‌اند. محوسازی جهان طبیعت در طیف گسترده‌ای از متون مشهود است. اگر نظام‌های زیست‌محیطی حمایت‌کننده زندگی از گفتمان‌های کلیدی که ساختار جامعه را شکل می‌دهند حذف شوند احتمال اینکه این نظام‌ها در اولویت قرار بگیرند کم خواهد بود. عدالت اجتماعی زمانی محقق می‌شود که به همه اجزای طبیعت بها و اهمیت داده شود.

محوسازی به دو گونه محوسازی کامل<sup>۱</sup> و یا پس‌زمینه‌سازی<sup>۲</sup> اتفاق می‌افتد. یکی از سازوکارهای زبانی محوسازی حذف کنشگر است که از طریق تبدیل فعل به اسم یا مجهول‌سازی اتفاق می‌افتد. فعل "تخریب کردن" نیازمند فاعل است و حال آنکه اسم "تخریب" و صفت مفعولی "تخریب‌شده" نیازمند فاعل نیست.

**برجسته‌سازی:** داستان‌های موجود در ذهن افراد هستند که چیزی را برجسته می‌سازد و آن را دارای ارزش و اهمیت می‌کند. در فلسفه زیست‌محیطی که مبتنی بر عدالت زیستی و اجتماعی است همه گونه‌ها مطرح و بررسی می‌شوند و اگر فقط انسان‌ها برجستگی داشته باشند نیاز سایر گونه‌ها نادیده گرفته می‌شود. رفاه و بقای انسان‌ها به ارتباط متقابل آنها با نظام‌های بزرگ‌تر زندگی بستگی دارد. این نظام‌ها نیاز به برجسته‌سازی دارند تا جایی که در تصمیم‌گیری‌ها تأثیر انسان بر آنها بررسی شود. یکی از شیوه‌های رایج برجسته‌سازی شخصیت‌سازی<sup>۳</sup> است که در آن ویژگی‌های انسانی به کنشگران غیرانسانی اطلاق می‌شود. نام‌گذاری بر موجودیت‌های غیرانسانی، استفاده از ضمائر شخصی در خطاب آنها و استفاده از تصاویر حسی به منظور فعال‌سازی آنها از جمله سازوکارهای زبانی برجسته‌سازی مفهومی است.

## ۲. تحلیل و بررسی داده‌ها

اکنون به کاربست این مؤلفه‌ها در تحلیل متن قرآن کریم می‌پردازیم:

### ۲-۱. ایدئولوژی و گفتمان

مقصود از «گفتمان» روشی معیار است که گروه‌های خاص در جوامع با استفاده از زبان، تصویر و دیگر شکل‌های بازنمایی، آن را می‌سازند (استیبی، ۱۳۹۵، ص ۴۳). ایدئولوژی‌ها، صورتی از شناخت اجتماعی‌اند که در ذهن اعضای گروه به اشتراک گذاشته می‌شود (ون دایک، ۲۰۱۱، ص ۳۸۲).

1. suppression

2. backgrounding

3. personification

در زبان‌شناسی زیست‌محیطی بر اساس ایدئولوژی‌های پنهان در گفتمان‌ها، به طور کلی دو نوع گفتمان مخرب و مفید وجود دارد. اگر ایدئولوژی‌های زیست‌محیطی با فلسفه چند جانبه زیست‌محیطی مخالف بوده و در تخریب محیط زیست موثر باشند، گفتمان‌های مخرب<sup>۱</sup> شکل می‌گیرد (استیسی، ۱۳۹۵، ص ۴۶).

## ۱-۱-۲. تحلیل گفتمان قرآن در حوزه زیست محیطی

یکی از روش‌های استنباط داستان‌ها در گفتمان‌ها، توجه به واحدهای واژگانی، ساخت‌های دستوری و دیگر مشخصه‌های زبانی است که در متن به کار رفته است (فرکلاف، ۲۰۰۳، ص ۹). در گفتمان توحیدی قرآن، واحدهای واژگانی این کتاب شریف در نسبت با طبیعت بررسی می‌شود.

«شمول معنایی»: مهم‌ترین رابطه معنایی است که در تحلیل گفتمان توحیدی قرآن وجود دارد. شمول معنایی در اصطلاح زبان‌شناسی به حالتی اشاره دارد که معنای یک واژه توسط یک واژه دیگر که معنای فراگیرتری دارد پوشش داده شود<sup>۲</sup>. این رابطه در آیاتی که درباره آفرینش جهان هستی است در خصوص خالق، آفریدگار و پروردگار هستی وجود دارد.

در آیاتی که مربوط به آفرینش جهان هستی در قرآن کریم وجود دارد اسم ظاهر «الله»، ضمیر «هو»، و مهم‌ترین صفات پروردگار در زمینه خلقت از قبیل «رب»، «خالق»، «مالک» و «فاطر» به کار رفته‌اند که رابطه شمول معنایی آن مشهود است:

أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ (البقره/۱۰۷۳).

ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ (الانعام/۱۰۲).

الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ (فاطر/۱).

اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ (الزمر/۶۲).

قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ (الرعد/۱۶).

این روابط نشان دهنده آن است که همه شئون خلقت از آن خداوند است و در میان اسماء و صفات پروردگار، لفظ «الله» دارای معنای فراگیرتری است. اسمی است برای ذات واجب الوجودی که دارنده تمامی صفات کمال است (طباطبایی، ۱۳۷۴ ش، ج ۱، ص ۲۹).

<sup>۱</sup> Destructive discourses

<sup>۲</sup> . شمول معنایی هم یعنی اطلاق یک واژه به واژه‌هایی که بخشی از معنای واژه اول را در برمی‌گیرد. مثلاً در عبارت مرغ فروشی کلمه مرغ به مرغ، جوجه، خروس و حتی کبک و بلدرچین ارجاع دارد. در این عبارت اسمی مرغ واژه شامل و دیگر کلمات ذکر شده هم شمول نام دارند.

<sup>۳</sup> و نیز نک: البقره/۱۱۵ و ۱۴۲.

«هم‌معنایی»: تعریف هم‌معنایی در گفتمان توحیدی قرآن درباره خلقت محیط‌زیست، بیشترین بسامد را عبارت «سماوات و الارض» (۱۷۹ مرتبه) به عنوان مصداق محیط زیست دارد. اما با این حال از عبارات هم‌معنایی مانند اسم موصول «ما» و عبارت «کل شیء» برای تأکید بر خلقت و مالکیت کلیه موجودات عالم توسط خداوند متعال استفاده شده‌است.

وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (آل عمران/۱۸۹).  
 قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ... قُلِ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ (الرعد/۱۶).  
 وَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَ كَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيطًا (النساء/۱۲۶).

موجودات در هیچ‌آنی از آنات و در هیچ‌شائی از شئون زندگی خود نمی‌توانند بدون فیض لایزال الهی ظهور و بروز کنند و به حیات خود ادامه دهند. آنها هیچ استقلال از خود ندارند بلکه وابسته محض به خدایند. این وابستگی و تعلق که از علیت و خالقیت خداوند نسبت به آنها حاصل شده است به مالکیت تام الهی منجر می‌شود؛ زیرا با توجه به وابستگی محض مخلوقات به ذات اقدس خدا، تنها اوست که عهده‌دار تدبیر و تقدیر عالم است و نیز همان معنای مالکیت تام خداست (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص ۱۶۹).

## ۲-۱-۲. ایدئولوژی

براساس گفتمان توحیدی قرآن در خصوص طبیعت ایدئولوژی «حرکت تکاملی همه موجودات» و در رابطه انسان با طبیعت، ایدئولوژی «انسان خلیفه و امانت‌دار است» مطرح است که در ادامه درباره آن دو توضیح ارائه می‌گردد.

### الف-حرکت تکاملی همه موجودات

برخلاف تفکرات رایج زیست‌محیطی که به انسان اجازه دخل و تصرف بی‌ضابطه در عالم را صادر می‌نماید، در جهان‌بینی قرآنی و براساس گفتمان توحیدی، هر موجودی در عالم در حال حرکت به سوی کمال نهایی خود است. این معنا از آیه ۵۰ سوره طه برداشت می‌گردد: «رَبَّنَا الَّذِي أَعْطَىٰ كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَىٰ: پروردگار ما کسی است که هر چیزی را خلقتی که درخور اوست داده سپس آن را هدایت فرموده است». مقصود از «شیء» وجود خاص هر چیزی است و مقصود از «هدی» آن است که خداوند راه هر چیز را به آن طوری نشان می‌دهد که او را به مطلوبش برساند و یا لاقل راهی که به سوی مطلوب او منتهی می‌شود را به او نشان می‌دهد (طباطبایی، ۱۳۷۴ ش، ج ۱۴، ص ۲۳۱).

### ب- انسان خلیفه و امانت‌دار

برخلاف گفتمان‌های غالب در غرب که بر «انسان‌محوری» و بهره‌برداری بی‌حد انسان از طبیعت استوار است، در فرهنگ قرآن، برمبنای گفتمان توحیدی، انسان نسبت به مواهبی که خداوند در اختیار او قرار داده مسئول بوده و مالکیت او بر ارکان هستی، مالکیت مطلق نیست. در قرآن، برای اثبات این مدعا سه عبارت «خلافت» «امانت» و «تسخیر» در نسبت انسان با طبیعت آمده است.

خداوند انسان را «خلیفه» معرفی نموده است: «وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (البقره/۳۰): در لغت عرب، «خلافت» به معنی نیابت و جانشینی از دیگری است که به یکی از چهار سبب غیاب، مرگ، ناتوانی و یا بزرگی و شرافت است که دیگری جانشین او می‌شود. مفهوم خلافت الهی انسان در روی زمین به دلیل چهارم محقق گردیده است. در معنی اخیر خداوند اولیاء خود را در زمین خلافت و نمایندگی می‌دهد (راغب، ۱۴۱۲، ص ۲۹۴). علامه طباطبایی (ره) این خلافت را متعلق به عموم ابناء بشر دانسته و معتقد است که خلافت نامبرده اختصاصی به شخص آدم ندارد، بلکه فرزندان او نیز در این مقام با او مشترکند دلیل و مؤید این عمومیت خلافت، آیه: إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ قَوْمِ نُوحٍ (الاعراف/۶۹)، که شما را بعد از قوم نوح خلیفه‌ها کرد) است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ش، ج ۱، ص ۱۷۹).

در فراز دیگری در قرآن کریم، خداوند انسان را امانت‌دار معرفی نموده است: «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا» (الاحزاب/۷۲). در لغت عرب، امانت ضد خیانت تعریف شده و چون از ریشه امن است به معنی هر آن چیزی است که صاحب آن با در اختیار داشتن آن موجبات امنیت و آسایش را فراهم نماید (راغب، ۱۴۱۲، ص ۹۰). درباره این که مقصود از «امانت» در این آیه چیست نظرات مختلفی ارائه شده و مفسران آن را با معانی مانند «اراده و آزادی انسان»، «عقل»، «تکالیف و واجبات الهی» تلقی نموده‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲، ۸، ۵۸۴) به نظر می‌رسد بر اساس استعداد انسان همه این معانی قابل جمعند اما به طور کلی می‌توان معنایی که همه مصادیق را "تعهد و قبول مسئولیت" دانست (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۷، ص ۴۵۴).

درباره میزان بهره‌برداری و اختیار انسان در خصوص طبیعت تعبیر «تسخیر» محل بحث و بررسی است. این واژه ۴۲ مرتبه در قرآن کریم به کار رفته که ۱۰ مرتبه آن در باب تفعیل درباره تسخیر عالم طبیعت برای انسان به کار رفته است که مواردی که در قرآن برای انسان مسخر شده اند عبارتند از: «همه آن چه در آسمان‌ها و زمین است»: «أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَ يَا مَظَاهِرَ مُخْتَلَفِ أَنْ مِنْ قَبِيلِ تَسْخِيرِ «شب و روز و ماه و خورشید و ستارگان» (ابراهیم/۳۳، النحل/۱۲) «کشتی و رودخانه‌ها» (ابراهیم/۳۲) دریا (النحل/۱۴) و یا «همه آن چه در زمین است» (الحج/۶۵).

در واژه «سخر» معنای رام‌شدن برای رسیدن به هدف مطلوب نهفته است (راغب، ۱۴۱۲، ص ۴۰۲) تسخیر عبارت است از حرکت‌دادن و راندن قهری به سوی هدف معین (همان). خداوند رابطه انسان را با جهان آفرینش، رابطه تسخیری می‌داند. بر این اساس که هر یک از موجودات، خاصیت و اثر ویژه خود را دارند. اگر انسان آن خاصیت را شناخت و آن را درست تنظیم و رهبری کرد، در حقیقت آن موجود را تسخیر کرده است (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص ۱۶۶). این که «هر موجودی خاصیت و اثر ویژه خود را دارد» بر اساس ایدئولوژی حرکت تکاملی همه موجودات استوار است. مقصود از تسخیر عالم برای انسان آن است که انسان به عنوان خلیفه الهی در روی زمین دارای استعدادها و قوایی است که می‌تواند با دخل و تصرف هدفمند در عالم هر موجودی را به هدفی که برای آن خلق شده است هدایت نماید.

## ۲-۲. قالب و قالب‌سازی

قالب عبارت است از داستانی در مورد حوزه‌ای از زندگی که توسط واژه‌های محرک ویژه‌ای به ذهن خطور می‌کند. در زبان‌شناسی زیست‌محیطی، قالب‌ها درباره «طبیعت» شکل می‌گیرند. قالب‌ها نسبت به «طبیعت» می‌توانند سودمند و یا مضر باشند.

استخراج قالب قرآن نسبت به طبیعت مهم است. به نظر می‌رسد قالب «طبیعت دارای شعور است و همه گونه‌های آن از ارزش ذاتی برخوردارند.» مهم‌ترین قالب قرآن نسبت به طبیعت باشد. لازمه تجزیه و تحلیل قالب از دیدگاه زبان‌شناسی زیست‌محیطی شناخت حوزه مبدأ و مقصد است؛ زیرا قالب‌سازی به معنی استفاده از یک حوزه برای ساختار بندی حوزه‌ای دیگر است. مثلاً در قالب ذهنی «طبیعت یک منبع / سرمایه / دارایی است»، حوزه مبدأ با کاربرد عباراتی مانند سرمایه طبیعی، ذخایر منابع اکوسیستم طبیعی و منابع زیست محیطی، «سرمایه و دارایی» و حوزه مقصد «طبیعت» است. بنابراین، حوزه مبدأ عام و حوزه مقصد خاص است.

حال به بررسی قالب مبدأ و مقصد در قرآن درباره طبیعت به می‌پردازیم:

قالب مبدأ: در عبارت‌های مربوط به طبیعت در قرآن کریم، قالب‌های مبدأ به کار رفته، قالب‌های «فعلی» هستند که طبیعت را به عنوان نوعی کنشگر و فعال (تسبیح‌گو) معرفی می‌نمایند. این قالب فعلی با دو قالب فعل ماضی «سبح» و فعل مضارع «یسبح» به کار می‌رود:

سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ (الصف/ ۱ و نیز الحديد/ ۱ و الحشر/ ۱).

يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ (الحشر/ ۲۴. و نیز الرعد/ ۱۳، الاسراء/ ۴۴، النور/ ۴۱، الجمعة/ ۱، التغابن/ ۱).

«سبح» عبارت است از «تقلب و تلاش» است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۵۶۷) که در نسبت با پروردگار در عبادات چه زبانی، چه عملی و چه با نیت به کار می‌رود (راغب، ۱۴۱۲، ص ۳۹۲). ادبیات عرب کاربرد فعل ماضی

برای نشان دادن «ثبات و استقرار یک امر» و فعل مضارع برای نشان دادن «استمرار و تداوم امر» به کار می‌رود که این دو ساختار نشان‌دهنده آن است که این تسبیح حقیقی و ذاتی موجودات بوده و استمرارا دارد و بنا بر اعتقاد مفسران، از سر علم و شعور و آگاهی و قدرت نطق موجودات صورت می‌پذیرد (رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۲، ص ۲۲۸، بغوی، ۱۴۲۰، ج ۳، ص ۱۶۳، صادقی تهرانی، ۱۴۰۶، ج ۱۷، ص ۲۱۲، طباطبایی، ۱۴۲۱، ج ۱۳، ص ۱۵۱). درباره کیفیت شعور و علم موجودات ذیل آیات مربوطه چنین آمده است: «از کلام خدای تعالی فهمیده می‌شود که مسأله علم نیز در تمامی موجودات هست، هر جا که خلقت راه یافته علم نیز بدانجا رخنه کرده است، و هر یک از موجودات به مقدار حظی که از وجود دارد بهره‌ای از علم دارد» (طباطبایی، ۱۴۲۱، ج ۱۳، ص ۱۵۱). قالب مقصد: بر اساس نوشته‌هایی که درباره طبیعت وجود دارد به نظر می‌رسد در قرآن می‌بایست قالب مقصد، قالب عمومی «السموات و الارض» باشد. این درحالی است که خداوند برای نشان دادن ارزشمندی ذاتی تک تک ارکان طبیعت در قالب مقصد از دو بیان عمومی: «آن چه در آسمان‌ها و زمین است»: «ما فی السموات و الارض» و حوزه‌های خاصی مانند: تسبیح هر موجودی: «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ: تسبیح رعد» «يُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ» (الرعد/۱۳) تسبیح شب و روز و ماه و خورشید (الانبیاء/۳۳) و تسبیح کوه‌ها و پرندگانه سخن گفته است (الانبیاء/۷۹، النور / ۴۱، ص ۱۸). درباره تسبیح کوه‌ها و پرندگان به همراه حضرت داود<sup>(ع)</sup> که در آیات ۷۹ سوره انبیا و ۱۸ سوره ص آمده علامه طباطبایی (ره) وجه تشخیص این دو موجود نسبت به سایر موجودات را در خصوص تسبیح چنین بیان می‌دارند: «کوهها و مرغان فی نفسه خود تسبیح‌گو هستند منتها در زمان حضرت داود<sup>(ع)</sup> تسبیح آنها با تسبیح حضرت داود هماهنگ شده است» (طباطبایی، ۱۴۲۱، ج ۱۴، ص ۴۴۱) با این توضیحات، قالب طبیعت در قرآن یک قالب زنده، کنشگر و فعال است که تک تک ذرات آن دارای ارزش ذاتی هستند.

### ۳-۲. استعاره

داستانی است که چیزی را به نحوی توصیف می‌کند که گویی چیزی دیگر بوده است. استعاره‌های زیادی در قرآن به کار رفته‌اند که در آنها زمین و طبیعت موجودی زنده لحاظ شده‌اند. در آیه «قِيلَ يَا أَرْضُ أَبْلَعِي مَاءَكَ وَ يَا سَمَاءُ أَقْلَعِي: و گفته شد: «ای زمین! آب خود را فرو بر، و ای آسمان، [از باران] خودداری کن.» (هود/۴۴) که درباره داستان پایان یافتن طوفان زمان حضرت نوح<sup>(ع)</sup> است، آسمان و زمین همانند عقلا مورد خطاب واقع شده‌اند گویا خردمندانی اهل تشخیص هستند که بزرگواری و عظمت خداوند را می‌شناسند، و به این دلیل تسلیم اویند و بدون هیچ کندی فرمانش را امتثال می‌کنند (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۹۷). اصطلاح «ابلعی» برای معنی «فرو خوردن آب» استعاره شده است چرا که «بلعیدن» عمل موجود زنده است و همچنین است

اصطلاح «اقلعی» از «قلع: بستن درها» برای حبس باران در آسمان استعاره شده گویی آسمان شخصی است که درب های منزل خود را بسته است (همان، ص ۳۹۸) یا مانند استعاره «تنفس» برای صبح در آیه: «وَالصُّبْحُ إِذَا تَنَفَّسَ» (التکویر/۱۸) گویی در این آیه صبح به کسی تشبیه شده که پس از آن که ظلمت شب را شکافته و طلوع کرده، که عمل دشواری است لحظه‌ای فراغت یافته تا استراحت کند و نفس عمیقی بکشد که روشنی افق تنفسی از صبح است. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۳۵۷ و ۳۵۸) از استعاره‌های این چنینی در قرآن فراوان است. استعاره پرده‌پوشی برای شب: «وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى» (اللیل/۱، الشمس/۲) آمدن ماه به دنبال خورشید «وَالْقَمَرَ إِذَا تَلَاها» (الشمس/۲) و ... (سیوطی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۲۵۵) که در قرآن کریم برای نشان دادن مفاهیم انتزاعی مانند تغییر ساعات شبانه روز و امورات مربوط به زمین از عناصر طبیعی بهره برده شده است.

#### ۴-۲. الگوهای ارزشی و ارزیابی ها

الگوی ارزشی حوزه‌ای مرتبط با زبان‌شناسی زیست‌محیطی است زیرا در شکل‌دهی مثبت یا منفی افکار عمومی نسبت به محیط زندگی نقش مؤثری دارد. الگوی ارزشی، الگویی زبان‌شناختی است که در آن، موضوعی دائماً در متن‌های مختلف، دارای ارزش مثبت یا منفی است (استیبی، ۱۳۹۵، ص ۱۲۹).

در متن قرآن کریم مصرف‌گرایی نکوهش شده است و زیاد معنی مثبت ندارد. در این باره دو کلمه «اسراف» و «تبدیر» در قرآن به شدت نکوهش شده اند. برای کلمه «اسراف» معنی تجاوز از حد در هر کاری که انسان آن را انجام می‌دهد و ضد میانه روی آمده است (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۲۵۷). عناصر ارزشی که در عبارات قرآنی در نفی اسراف به کار رفته عبارات صریح و آشکار «نهی» و عبارت ضمنی «خدا دوست ندارد» است: «كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (انعام/۱۴۱) «كُلُوا وَاشْرَبُوا وَلا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (الاعراف/۳۱) «لا تسرفوا» در آیه نهی عمومی است و هرگونه زیاده‌روی در بهره‌برداری از مواهب مادی (اعم از خوردن، خرج کردن بیجا و ...) که آیات شریفه ناظر بر آن هستند را شامل می‌گردد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۵۷۹). همچنین عبارت «انه لا يحب المسرفين» تأکیدی است بر آن که خلقت و ایجاد این محصولات از آن خداوند است (طباطبایی، ج ۷، ص ۵۰۰).

مفهوم دیگری که در این رابطه در قرآن آمده که گویا دارای بار معنایی منفی بیشتری در نکوهش مصرف‌گرایی است، کلمه «تبدیر» است. تبدیر عبارت از ضایع کردن هر چیزی به بیهودگی و بدون در نظر گرفتن نتیجه آن است (راغب، ۱۴۱۲، ص ۱۱۴). در آیات مربوطه با کاربرد دو عنصر ارزشی آشکار «نهی»: «و لا تُبَدِّرْ تَبْدِيرًا» (الاسراء/۲۶) و ضمنی «برادران شیطان»: «إِنَّ الْمُبَدِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ» (الاسراء/۲۷) تقبیح شده است.

## ۲-۵. هویت

هویت، داستانی است در اذهان مردم در مورد این که ما به عنوان افراد انسانی چه کسانی هستیم، به چه گروه‌هایی تعلق داریم و جایگاه آن گروه‌ها در جامعه چگونه است (استیبی، ۱۳۹۵، ص ۱۵۸).  
هویت انسان در برابر با طبیعت در قرآن به دو طریق قابل استخراج است:

### ۲-۵-۱. تلقی انسان به عنوان عضوی از طبیعت با ساخت متون درون گروه‌ها: یک روش کلیدی در

ایجاد هویت زیست محیطی در متون، به کارگیری ضمائر «ما» و «برای ما» است که مشارکان خاصی را به عنوان عضوی از موجودات در یک درون گروه قرار می‌دهد (استیبی، ۱۳۹۵، ص ۱۶۹). در قرآن ضمائر «لکم» در سیاق آیات مربوط به طبیعت به وفور به چشم می‌خورد: «الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً» (البقره/۲۲)، «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا» (بقره/۲۹)، «مِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ» (البقره/۲۶۷).

### ۲-۵-۲. دیگر محوری در مقابل خودمحوری: در آیات متعددی در قرآن، خداوند مؤمنین را به انفاق

دستور می‌دهد که مشتقات این کلمه ۱۱۱ مرتبه در قرآن به کار رفته و مؤمنین را کسانی معرفی می‌نماید که از آن چه خدا روزیشان کرده انفاق می‌کنند. «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ» (البقره/۲۵۴). اصل انفاق، خارج نمودن مال از حوزه مالکیت انسان است (رازی، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۱۰۷). برای ساخت هویت دیگرمحوری در مقابل خودمحوری خداوند ۱۲ مرتبه در قرآن، انسان را از «بخل»: «وَمَنْ يَبْخُلْ فَإِنَّمَا يَبْخُلْ عَنْ نَفْسِهِ...» (محمد/۳۸) و ۵ مرتبه از «شح نفس»: «وَمَنْ يُوقِ شَحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (الحشر/۹) بر حذر داشته است. «بخل» حبس کردن اموالی است که حق نیست نگه‌داشته شود (راغب، ۱۴۱۲، ص ۱۰۹) و «شح» بخل توام با حرص را گویند (همان، ص ۴۴۶).

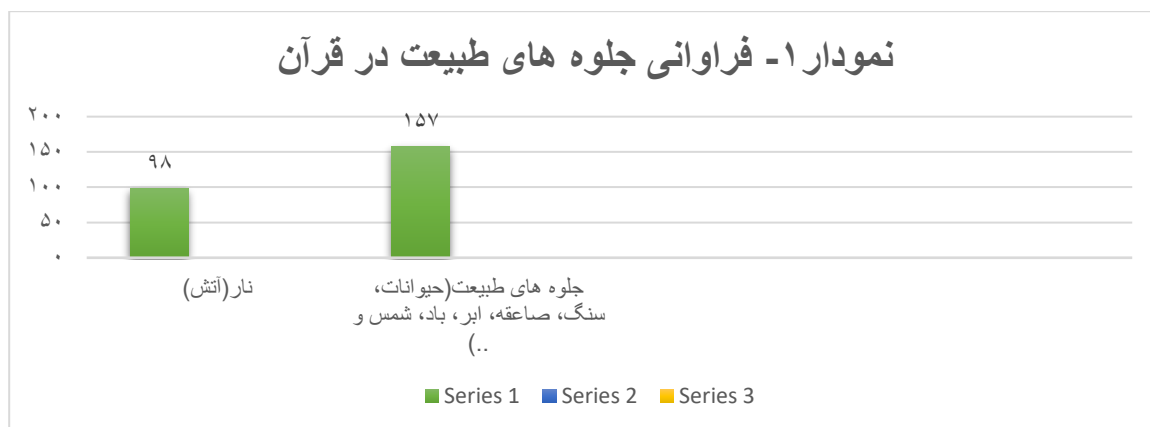
## ۲-۶. باور و الگوی واقع‌بودگی

عبارت «لا تعثوا فی الارض مفسدین» ۵ مرتبه در قرآن در سیاق آیاتی که به نعمت‌های طبیعی برای بشر اشاره می‌کند آمده است: «كُلُوا وَ اشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ وَ لَا تَعَثُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ» (البقره/۶۰، الاعراف/۷۴، هود/۸۵، الشعراء، ۱۸۳، العنکبوت/۳۶).

فساد، خارج شدن هر چیزی از حد اعتدال است چه کم و اندک باشد و چه زیاد (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۵، ص ۱۷۴). «لا تعثوا» از ریشه «عثو» در فسادهای به کار می‌رود که از نظر حکم و دستور، فسادش قابل درک باشد (همان، ج ۴، ص ۲۹۱). کاربرد این دو ترکیب با یکدیگر «و لا تعثوا فی الارض مفسدین» برای تأکید بر نهی فساد انسان در طبیعت است (محلّی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۱۲).



تعبیر دیگر در الگوی واقع‌بودگی تخریب‌های زیست‌محیطی در قرآن، عبارت «هلاکت کشتزارها و نسل‌ها توسط انسان است که در آیه‌ی ۲۰۵ سوره بقره به آن اشاره شده است: «وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ»: و چون ریاستی یابد کوشش می‌کند که در زمین فساد نماید و کشت و نسل را نابود سازد، و خداوند تباہکاری را دوست ندارد (البقره/۲۰۵). مقصود از فساد در آیه فساد تکوینی نیست که در اثر گردش زمان در برخی ارکان طبیعت ظاهر می‌شود، بلکه مقصود فساد است که دست بشر پدید می‌آورد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۴۵). علاوه بر دلایل نامبرده، در بین عناصر و اجزای اکوسیستم آتش دارای جایگاه ویژه‌ای است و به تنهایی ۹۸ مورد را به خود اختصاص داده است (نمودار ۲) دلیل این بسامد بالا می‌تواند معنای تلویحی (عذاب و جزا) باشد که قرآن کریم از آن یاد می‌کند. بنابر این انسان، در صورت فساد و طغیان، مستوجب آتش و مجازات خواهد بود و نسبت به ضرباتی که بر پیکره هستی وارد نموده پاسخگوست.



در نوشتارهای زیست‌محیطی برای نشان دادن نقش مخرب انسان در تغییرات اقلیمی، از الگوهای واقع‌بودگی «ترکیبی» بهره می‌برند. آنها برای افزایش واقع‌بودگی گزارش خود را بر دو محور مهم دانشمندان (قابل‌اعتماد بودن به علت بی‌طرفی ایشان) و طرفداران محیط‌زیست (قابل‌اطمینان بودن دوستان معتمد به علت وفاداری آنها) استوار می‌سازند. این الگو زمانی قابل‌اعتماد است که براساس علم بی‌طرفانه و دانش کلی طبیعت غیرانسانی استوار بوده و دانشمندانی که در این حوزه قلم می‌زنند دانشمندانی متعهد و خلاق باشند (استیبی، ۱۳۹۵، ص ۲۰۰). الگوی واقع‌بودگی قرآن بر مدار «حق» استوار است. خداوند خلقت عالم را بر اساس «حق» می‌داند: «هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ» (الانعام/۷۳)، «أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ» (ابراهیم/۱۹). این الگو، در دوازده آیه در سوره‌های قرآن تکرار شده است: (یونس/۵، الحجر/۸۵، النحل/۳، العنکبوت/۴۴، الروم/۸، الزمر/۵، الدخان/۳۹، الجاثیه/۲۲، الاحقاف/۳، التغابن/۳). مقصود از خلقت به حق آن است که خلقت عالم فعل خداست و فعلی که بر حق باشد یعنی برای هر موجودی در این عالم غرض و غایتی در نظر

گرفته شده است ( طباطبایی، ج ۷، ص ۲۰۸). این همان علم بی طرفانه و دانش کلی طبیعت است که قرآن از آن به «حق» تعبیر نموده است.

## ۷-۲. محوسازی

محوشدن جهان طبیعت از انواع متون و محوشدن انسان و عدالت اجتماعی از دیگر متون. محوسازی داستانی در ذهن افراد است مبنی بر این که حوزه‌ای از زندگی بی اهمیت بوده و یا ارزش پرداختن به آن را ندارد (استیبی، ۱۳۹۵، ص ۲۱۴).

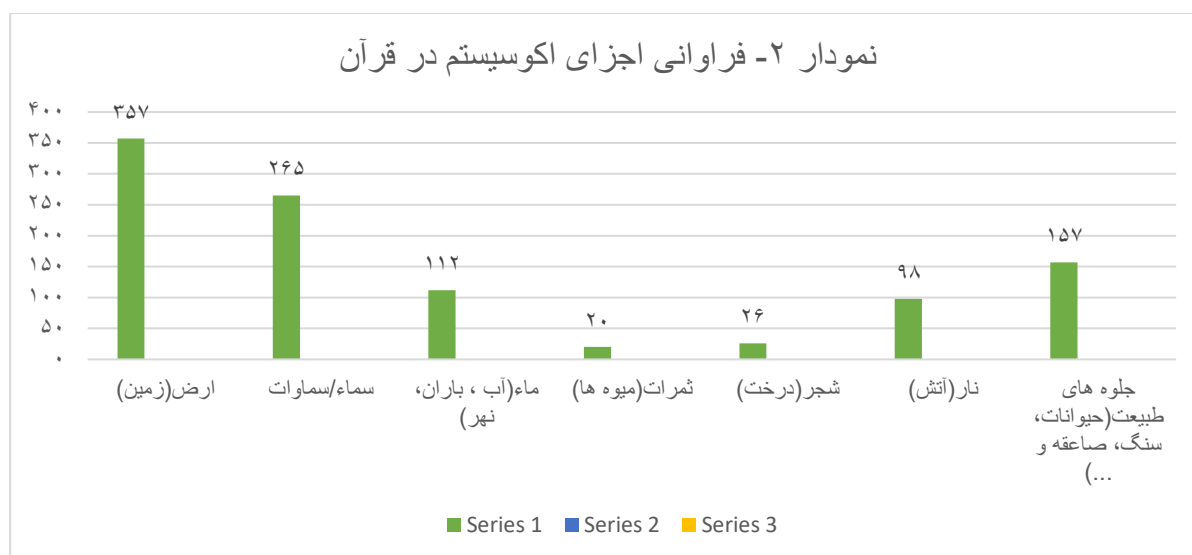
در فرایند اسم‌سازی و مجهول‌سازی، فرایندهای اسم‌سازی می‌تواند به طور خاص ابزاری قدرتمند در جریان محوسازی باشد مثل تبدیل یک فعل به یک اسم هم‌معنی و یا تبدیل یک فرایند به یک موجودیت؛ که می‌تواند همچنین از طریق تبدیل فعل به اسم یا مجهول‌سازی اتفاق افتد. فعل "تخریب کردن" نیازمند فاعل است و حال آنکه اسم "تخریب" و صفت مفعولی "تخریب‌شده" نیازمند فاعل نیست. اسم‌سازی می‌تواند حذف مشارکان در جمله‌ها را در پی داشته باشد (فرکلاف، ۲۰۰۳، ص ۱۱۴). در قرآن، در بیان نسبت انسان با طبیعت، همه فعل‌های به کار رفته معلوم و نقش انسان نقش فعال است: کاربرد اسم فاعل «مفسدین» در عبارت: «وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُمْسِدِينَ» (البقره/۶۰) و یا خطاب با «یا بنی آدم» در عبارت: «يَا بَنِي آدَمَ... كُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا...» (الاعراف/۳۱، الاسراء/۷۰) و یا خطاب «یا ایها الناس» در عبارت: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَ لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ...» (البقره/۱۶۸)، همگی گواه بر آن است که در این حوزه محوسازی صورت پذیرفته است. در خصوص محوسازی طبیعت و حیوانات، جدول شماره (۱) معرف فراوانی کاربرد اسامی اجزای اکوسیستم و حیوانات در قرآن است. با این توضیحات عنصری از طبیعت یا محیط‌زیست نمی‌توان برشمرده که مورد توجه و عنایت قرآن نباشد، به حاشیه رانده شده باشد یا بی‌اهمیت جلوه داده شده باشد.

حیوانات	مکان‌ها	عناصر طبیعت و محیط‌زیست	حوادث طبیعی
البقره- الانعام- النحل- النمل- العنكبوت- العاديات- الفيل	الكهف- الطور- البروج- البلد	النور- الدخان- الذاريات- القمر- لنجم- الحديد- الشمس- التين	الرعد- الفجر- الليل- الضحى- الزلزله- العصر- الفلق

جدول ۱: فهرست نام‌هایی از سوره‌ها که به بازنمایی طبیعت و محیط‌زیست اشاره دارد

## ۸-۲. برجسته‌سازی و تداعی مجدد

همان‌طور که در بالا اشاره شد، جریان «محوسازی» به دنبال حذف و یا به حاشیه‌راندن عناصر زیست‌محیطی از متن است (استیبی، ۱۳۹۵، ص ۲۳۶). یکی از مفاهیم مهمی که در بیشتر نوشته‌های مربوط به زیست‌محیط و طبیعت وجود دارد مسئله «مکان» و «محل زندگی» است. نویسندگان این حوزه می‌کوشند تا با تأکید بر یک «مکان خاص»، اهمیت «مکان‌های دیگر» که در اصطلاح فیلسوفان زیست‌محیط، «سرزمین‌های سایه» نامیده می‌شود را محو سازند. اگر نوشته‌ها، یک مکان خاص را ایده‌آل‌سازی نمایند باعث نادیده‌گرفتن بسیاری از مکان‌های ناشناخته و «سایه» می‌گردد (پلاموود، ص ۲۰۰۸). تلاش برای شناساندن مکان‌های سایه، تداعی مجدد<sup>۱</sup> نام دارد. در قرآن، بر اساس نمودار ۲، لفظ «زمین» با تکرار ۳۵۷ مرتبه در قرآن بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده است و مکان یا سرزمین سایه ای وجود ندارد.



برجسته‌سازی<sup>۲</sup> عبارت است از داستانی در ذهن مردم که بخش‌های مهمی از زندگی در آن پررنگ می‌شوند (استیبی، ۱۳۹۵، ص ۲۶۳). در فلسفه زیست‌محیطی که مبتنی بر عدالت زیستی و اجتماعی است همه گونه‌ها طرح و بررسی می‌شوند و اگر فقط انسان‌ها برجستگی داشته باشند نیاز سایر گونه‌ها نادیده گرفته می‌شود. رفاه و بقای انسان‌ها به ارتباط متقابل آنها با نظام‌های بزرگ‌تر زندگی بستگی دارد. این نظام‌ها نیاز به برجسته‌سازی دارند تا جایی که در تصمیم‌گیری‌ها تأثیر انسان بر آنها بررسی شود. در زبان‌شناسی زیست‌محیطی از روش‌های مختلفی برای برجسته‌سازی استفاده می‌شود که در ادامه به آنها اشاره می‌گردد:

<sup>1</sup> Re-minding

<sup>2</sup> Saliency

## ۲-۸-۱. عینی‌سازی

در زبان‌شناسی زیست‌محیطی تلاش می‌شود تا جهان طبیعت را از کاربرد مفاهیم انتزاعی مانند اکوسیستم، جانوران یک اقلیم به مفاهیم عینی، مشخص و واضحی مانند برگ‌ها، شاخه‌ها، علف‌ها، دانهٔ برنج و ... باز تداعی نمایند (آبرام، ۲۰۱۰، ص ۳). در قرآن شاهد عینی‌سازی‌های آشکاری در این حوزه مانند شکاف هسته خرما: «نقیر» (النساء/۱۲۴)، شاخهٔ خشکیده خوشهٔ خرما: «عرجون» (یس/۳۹) یا دسته‌های کنار هم چیده‌شده موز «و طلع منضود» (الواقعه/۲۹) و یا دانهٔ گندم: «حبه» (البقره/۲۶۱) هستیم.

به‌علاوه، در عینی‌سازی در میان سطوح ممکن عینیت و انتزاع، سطح خاصی وجود دارد که بیشتر قابل تصور است که به آن سطح، «سطح پایه» گفته می‌شود. واژه‌ها وقتی در سطح پایه باشند بیشترین تأثیر را در افکار مخاطبان دارند (لیکاف و وهلینگ، ۲۰۱۲، ص ۴۱) مثلاً کلمهٔ «صندلی» در مقابل کلمهٔ «مبلمان» سطح پایه است چراکه تصویری از صندلی در ذهن ما می‌سازد.

در قرآن مفاهیم پایهٔ فراوانی مانند «نبات» (انعام/۹۹)، «انعام» (الانعام/۱۳۸)، «فواکه» (المؤمنون/۱۹)، «شجر» (النحل/۱۰) و «انهار» (الانعام/۶) به کار رفته است و از دیگر سو به فراخور موضوعات، ذیل هر یک از مفاهیم پایهٔ نامبرده، مصادیقی بیان می‌گردد. مثلاً، ذیل مفهوم پایهٔ «انعام= چهارپایان» از مصادیقی مانند «خیل: اسب‌ها»، «بغال: استرها»، «حمیر: الاغ‌ها» (النحل/۸)، «ضأن: گوسفند»، «معز: بز» (انعام/۱۴۳)، «ابل: شتر»، «بقر: گاو» (انعام/۱۴۴) نام برده شده است.

## ۲-۸-۲. فردیت‌گرایی

عبارت است از روشی که در آن برای حیوان و انسان، شخصیت خاص و غیرقابل جایگزین در نظر گرفته می‌شود. برای فردگرایی می‌توان از روش‌های زیر بهره جست:

شخصیت‌سازی: یکی از شیوه‌های رایج برجسته‌سازی است که در آن ویژگی‌های انسانی به کنشگران غیرانسانی اطلاق می‌شود. نام‌گذاری بر موجودیت‌های غیرانسانی، استفاده از ضمائر شخصی در خطاب به آنها و استفاده از تصاویر حسی به منظور فعال‌سازی آنها، از جمله سازوکارهای زبانی برجسته‌سازی مفهومی است. در این حوزه، شخصیت‌سازی‌های فراوانی از اجزای طبیعت در قرآن وجود دارد. خطاب قرار دادن آتش توسط خداوند در داستان حضرت ابراهیم<sup>(ع)</sup>: «قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَ سَلَامًا عَلٰی اِبْرَاهِيمَ» (انبیاء/۶۹)، خطاب به آتش هنگام قیامت: «يَوْمَ نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلِ امْتَلَأَتْ وَ تَقُولُ هَلْ مِنْ مَّزِيدٍ» (ق/۳۰)، خطاب به زمین و آسمان در داستان طوفان حضرت نوح<sup>(ع)</sup> (هود/۴۴) و گفتگوی مورچه (النمل/۱۸) و هدهد (النمل/۲۲) با حضرت سلیمان<sup>(ع)</sup> از نمونه‌های بارز شخصیت‌سازی در قرآن به شمار می‌آیند.

مقدس‌سازی: برخی زبان‌شناسان معتقدند تا هنگامی که انسان متوجه منحصر به فرد بودن اشیاء و موجودات زنده نشود، به آنها اهمیت نداده و آنها را نابود می‌سازد. با این توضیح، شیء یا موجود مقدس چیزی است که خاص، ویژه و منحصر به فرد بوده، ارزش نامحدودی داشته و غیر قابل جایگزین باشد (آیزنستاین، ۲۰۱۱). مثلاً در متون زیست‌محیطی از یک جنگل به نام جنگل «اسمیتی» نام می‌برند که آن را با ذکر مؤلفه‌هایی در متن از قبیل آن که: درختانش از نوع خاصی به نام (بلوط) هستند که دارای ویژگی‌هایی مانند (قوس و شیار) بوده و مکان خاصی دارند (حومه شهر فیلد) و تاریخ خاص خود را دارند (راهب‌ها از آن استفاده می‌کردند) مقدس ساخته‌اند.

در قرآن مقدس‌سازی به دو شیوه بهره‌گیری از سوگند و منحصرسازی اتفاق صورت پذیرفته است. جدول شماره (۳) مجموعه عناصر طبیعی و مکان‌هایی هستند که در قرآن به آنها سوگند یاد شده است: در فرهنگ قرآن به هر چیزی که سوگند یاد شده دلالت بر تقدس و ارزش آن دارد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ص ۴-۱۹). در حوزه منحصرسازی در قرآن می‌توان به حیواناتی مانند گاو بنی‌اسرائیل (البقره/۶۷)، سگ اصحاب کهف (الکهف/۱۸)، ناقه حضرت صالح<sup>(ع)</sup> (هود/۶۴)، سرزمین بیت‌المقدس (الاسراء/۱)، شهر مکه (التین/۳)، غار کهف (الکهف/۱) اشاره نمود که با انتساب به انبیای الهی دارای بعد تقدس و منحصر به فرد و ارزشمندی شده‌اند.

میوه ها	زمان‌ها	عناصر طبیعت و محیط‌زیست	مکان‌ها	حیوانات
انجیر	فجر (الفجر/۱)	خورشید (الشمس/۱)	دریا	اسبان دونده
(التین/۱)	صبح (التکویر/۱۸)	ماه (الشمس/۲، المدثر/۲، الانشقاق/۱۷)	(الطور/۵ و ۶)	(العادیات/۱)
زیتون	لیل	ستاره (النجم/۱، الواقعة/۷۵، التکویر/۱۵)	کوه	
(التین/۱)	(المدثر/۳۳، التکویر/۱۷، الانشقاق/۱۷، الفجر/۴، اللیل/۱، الشمس/۴، الضحی/۲)	زمین (الشمس/۴)	طور (الطور/۱)	طور (الطور/۱)
		آسمان (الشمس/۵، البروج/۱، الطارق/۱)	التین (۲)	مشارق و مغارب
	نهار (الشمس/۳، اللیل/۲)	باد (الذاریات/۱)	(المعارج/۴۰)	
	ضحی (الضحی/۱)	ابر (الذاریات/۲)	شهر مکه	
	عصر (العصر/۱)		(البلد/۱)	
			التین (۳)	

جدول ۳. مجموعه عناصر طبیعی و مکان‌هایی هستند که در قرآن به آنها سوگند یاد شده است.

## ۲-۸-۳. فعال سازی

یکی دیگر از سازوکارهای برجسته سازی، فعال سازی است. فعال سازی وقتی رخ می دهد که کنشگران اجتماعی، نیروهایی فعال و پویا در یک کنش باشند. در فعال سازی، حیوانات و اجزای طبیعت موجوداتی منفعل و مجهول نیستند بلکه فاعل تمام افعال به شمار می آیند.

نمونه بارز فعال سازی، در قرآن کریم، وحی خداوند متعال به زنبور عسل است: «وَ أَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنْ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ، ثُمَّ كُلِّي مِن كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْلُكِي سُبُلَ رَبِّكِ ذُلُلًا» (النحل/ ۶۸ و ۶۹) در آیه کاربرد افعالی مانند (اتخذی= انتخاب کن)، (کلی= بخور) و (فاسلکی= راه را طی کن) دلالت بر فعال بودن زنبور عسل در متن و هدفمند بودن زندگی او دارد.

### نتیجه

اخلاق زیست‌گرایان<sup>۱</sup> معتقدند که اجرای تصمیم‌های محیطی نیازمند حمایت‌های فرهنگ دینی است. انسان همراه با طبیعت همواره در مقابل انسان حاکم بر طبیعت است که زاینده و نتیجه از دست دادن ارتباط معنوی انسان با طبیعت است و این در حالی است که انسان به طبیعت متعلق است و نه طبیعت به انسان. در این مختصر سعی شده است که از آیات قرآن کریم فلسفه محیط‌زیستی استخراج شود که در آن رابطه انسان‌ها با یکدیگر و با موجودات و موجودیت‌های دیگر دوام‌بخش حیات و زندگی است. با تحلیل زبانی/گفتمانی متن کل قرآن کریم به این نتیجه رسیدیم که متن این کتاب آسمانی دارای سازوکارهای برجسته سازی است که نشان می‌دهد طبیعت مهم و درخور توجه است. هویت انسان مصرف‌گرا در این نوشته مذموم و نکوهیده است و تجاوز و تعدی به جوهر هستارها<sup>۲</sup> را تقبیح می‌کند. تحلیل زبانی آیات این کتاب فاش‌کننده گفتمان غالب بر آن است که مبتنی بر ایدئولوژی وحدت همه موجودات با ذات باری تعالی و ارزش ذاتی و اخلاقی هستارهاست. تحلیل داده‌های این متن مقدس ما را به عدالت اجتماعی/زیستی رهنمون است.

نفی سلطه بدون احساس مسئولیت بر طبیعت، همزیستی صلح‌آمیز با محیط‌زیست، جلوگیری از اتلاف منابع و استثمار طبیعت، مسئولیت‌پذیری نسبت به رفتار با طبیعت، حفاظت از محیط‌زیست و بهبود آن، پذیرش تقدس محیط‌زیست به دلیل ارتباط آن با خداوند، ارتباط آن با تکامل نفس و درک یگانگی تمام مخلوقات موجود در محیط‌زیست از آثار غالب شدن و فائق آمدن گفتمان دیدنی و داستان‌های آن بر گفتمان مصرف‌گرای کنونی است.

1. bioethicists

2. entities

## منابع

## قرآن کریم

۱. ابوالفتح رازی، حسین بن علی. (۱۴۰۸)، *روض الجنان و روح الجنان*، مشهد، آستان قدس رضوی.
۲. استیبی، آرن. (۱۳۹۵)، *زبان‌شناسی زیست‌محیطی*. مترجم: گروه مترجمان به سرپرستی فردوس آقاگل‌زاده. تهران: نشر نوپس.
۳. اسلامی، محمدتقی. (۱۳۹۱)، «اسلام و اخلاق زیست‌محیطی با تأکید بر آرای آیت ا... جوادی آملی»، *فصلنامه اسراء*، شماره ۴. صص. ۷۸-۱۱۱.
۴. اکبری راد، طیبه. (۱۳۸۷)، «حفظ محیط‌زیست از دیدگاه قرآن و روایات»، *نامه الهیات*، شماره ۵. صص. ۱۷-۲۶.
۵. بغوی، حسین بن مسعود. (۱۴۲۰)، *معالم التنزیل فی تفسیر القرآن*، لبنان: دار احیاء التراث العربی.
۶. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۶)، *اسلام و محیط‌زیست*، قم: مرکز نشر اسراء.
۷. راغب، حسین. (۱۴۱۲)، *مفردات الفاظ قرآن*، لبنان: دارالشامیه.
۸. زمخشری، محمود. (۱۴۰۷)، *الکشاف عن حقایق التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل*، لبنان: دارالکتب العربی.
۹. سیوطی، جلال الدین. (۱۳۸۶)، *الاتقان فی علوم القرآن*، ترجمه سید محمود دشتی، قم: دانشکده اصول الدین.
۱۰. شایسته‌نژاد، علی‌اکبر. (۱۳۹۲)، «سجده واقعی و همراه با شعور حیوان، گیاه و جماد»، *تحقیقات علوم قرآن و حدیث*، ش ۲۰، صص ۸۵-۱۱۴.
۱۱. صادقی تهرانی، محمد. (۱۴۰۶)، *الفرقان فی تفسیر القرآن*، قم: فرهنگ اسلامی.
۱۲. صادقی روشن، محمدحسن. (۱۳۹۴)، «تحلیل جایگاه محیط‌زیست از دیدگاه قرآن»، *مجله قرآن و علم*، ش. ۱۷، صص ۱۳۰-۱۱۵.
۱۳. طباطبایی، محمد حسین. (۱۳۷۴)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه سید محمد باقر موسوی، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۴. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: ناصر خسرو.
۱۵. فخررازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰)، *التفسیر الکبیر*، لبنان: دار احیاء التراث العربی.
۱۶. قرشی، علی‌اکبر. (۱۳۷۱ش)، *قاموس قرآن*، چاپ ششم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

۱۷. کریمی، محمد ابراهیم. (۱۳۹۶)، *محیط‌زیست از منظر قرآن و حدیث و عوامل تخریب آن*، قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی .
۱۸. کریمیان صیقلانی، علی. (۱۳۹۳)، *اخلاق زیست‌محیطی در حکمت اسلامی*، تهران: نشر امیرکبیر .
۱۹. محلی، محمد بن احمد. (۱۴۱۶)، *التفسیر الجلالین*، لبنان: موسسه النور للمطبوعات.
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۱)، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الإسلامية.
۲۱. نصر، سید حسین. (۱۳۹۳)، *دین و نظم طبیعت*، تهران: نشر نی .
۲۲. نورائی، محسن. (۱۳۹۱)، *جهان‌بینی قرآنی و محیط‌زیست. آموزه‌های قرآنی*، شماره ۱۶، صص. ۲-۲۲.
23. Abram, D. 2010. *Becoming animal: an earthly cosmology*. New York: Pantheon.
24. Fairclough, N. 2003. *Analyzing discourse: textual analysis for social research*. London: Routledge.
25. Fairclough, N. 2014. *Language and power*. 3rd ed. London: Routledge.
26. Fill, A. and Mühlhäusler, P. 2001. *The ecolinguistics reader: language, ecology, and environment*. London: Continuum.
27. Haugen, E. 1972. *The ecology of language*. Stanford, CA: Stanford University Press.
28. Lakoff, G. and Wehling, E. 2012. *The little blue book: the essential guide to thinking and talking*. Democratic. New York: Free Press.
29. Plumwood, V. 2008. *Shadow places and the politics of dwelling*. Australian Humanities Review 44. Available from. <http://www.australianhumanitiesreview.org/archive/IssueMarch-2008/plumwood.html> [Accessed 24 January 2015]
30. van Dijk, T. (ed.). 2001. *Discourse studies: a multidisciplinary introduction*. 2nd ed. London: sage. Lakoff, G. and Wehling, E. 2012. *The little blue book: the essential guide to thinking and talking*. Democratic. New York: Free Press.
31. van Dijk, T. 2008. *Discourse and power*. New York: Palgrave Macmillan.



## References

- The Holy Qur'an, Persian Translation: Abdul-Muhammad Ayati, Tehran: Soroush.
1. Abulfutūh Rāzī, H. (1408 AH). *Rawd al-Jinān wa Rūh al-Janān*, Mashhad: Āstan-e Ghods Razawī.
  2. Stibee. A. (2016). *Ecolinguistics* [Translated by F.Aghagolzadeh,] Tehran: Neviseh.
  3. Eslami, M.T. (2012), "Islam and Eco-Ethics Focused on Javadi Amoli's Views," *Asra Journal*, N. 4: pp. 78-111.
  4. Akbari-Rad, T. (2009), *Protecting Ecosystem Focused on Qur'an and Hadith*, *Namey-e Elahiyat*, N. 5: pp. 17-26.
  5. Baghawi, H. (1420 Ah). *Ma'ālim al-Tanzīl*, Lebanon: Dar 'Ihyā' al-Turāth al-Arabi.
  6. Javadi Amoli, A. (2007). *Islam and Ecosystem*, Qom: Asra Publication Center.
  7. Ragheb, H. (1412 AH). *Al-Mofradāt (Dictionary)*. Lebanon: Dar al-Shāmīya.
  8. Zamakhsharī, M. (1401 AH). Lebanon: Dar al-Kitāb al-Arabī.
  9. Suyūti, J. (2007). *Al-'Itqān fī 'Uloom al-Qur'an* [Translated by Mahmoud Dashti,] Qom: 'Usūl al-Din Faculty.
  10. Shayaeste Nejad, A. (2013), "Real prostration with consciousness in animals, plants, and bbjects," *Researches of Qur'an and Hadith Sciences*, n. 2.
  11. Sadeghi Roshan, M.H. (2015). "The analysis of ecology status in The Holy Qur'an," *Journal of Qur'an and Science*. N. 17: pp.115-130.
  12. Sadeghi Tehrani, M. (1406 AH), *Alforqān fī Tafsīr al-Qur'an*, Qom: Farhang-e Eslami.
  13. Tabātabā'ī, M. (1995). *Tafsīr al-Mīzān* [Translated by Seyad Mohamad Bagher Mousavi,] Qom: Islami Publications.
  14. Tabrisī, F. (1993). *Majma' al-Bayān fī Tafsīr al-Qur'an*, Tehran: Naser Khosrov.
  15. Fakhr Rāzī, M. (1420 AH), *Tafsīr Kabīr*, Lebanon: Dar 'Ihyā' al-Turāth al-Arabi.
  16. Ghurashī, A. (1992). *Ghāmūs Qur'an*, Tehran: Dar al-Kutub al-Islāmīya, Sixth edition.
  17. Karimi, M. (2017), *Ecology in the Qur'an and Hadith and Its Destruction Causes*, Qom: International Center for Translation and Publication of Almustafa.
  18. Karimian Seyghalani, A. (2014), *Eco-Ethics in Islamic Philosophy*, Tehran: Amikabir.
  19. Mahalli, M. (1416 Ah). *Tafsīr Jalalain*, Lebanon: Al-Noor lil-Matbū'āt Institute.
  20. Makarem Shīrazī, N. (1992). *Tafsīr Nemouneh*, Tehran: Dar al-Kutub al-Islāmīya.
  21. Nasr, S.H. (2014). *Religion and Nature Discipline*, Tehran: Ney.
  22. Nouraei, M. (2012), "Qur'anic worldview and Ecology," *Qur'anic Teachings*, n. 16: pp. 2-22.
  23. Abram, D. (2010), *Becoming Animal: An Earthly Cosmology*, New York: Pantheon.

24. Fairclough, N. (2003), *Analyzing Discourse: Textual Analysis for Social Research*, London: Routledge.
25. Fairclough, N. (2014), *Language and Power*. 3<sup>rd</sup> ed. London: Routledge.
26. Fill, A. and Mühlhäusler, P. (2001), *The Eco-linguistics Reader: Language, Ecology, and Environment*. London: Continuum.
27. Haugen, E. (1972), *The Ecology of Language*. Stanford, CA: Stanford University Press.
28. Lakoff, G. and Wehling, E. (2012), *The Little Blue Book: The Essential Guide to Thinking and Talking. Democratic*. New York: Free Press.
29. Plumwood, V. (2008), "Shadow Places and the Politics of Dwelling," *Australian Humanities*, [Accessed 24 January 2015] Review 44. Available at: <http://www.australianhumanitiesreview.org/archive/IssueMarch-2008/plumwood.html>
30. Van Dijk, T. (ed.). (2001), *Discourse Studies: A Multidisciplinary Introduction*. 2<sup>nd</sup> ed. London: Sage. Lakoff, G. and Wehling, E. 2012. *The little blue book: the Essential Guide to Thinking and Talking. Democratic*. New York: Free Press.
31. Van Dijk, T. (2008), *Discourse and Power*. New York: Palgrave Macmillan.